



و دکتر و پروفیسوری را مطابق نوع تخصص مورد نیاز مشتری (۱) صادر می کنند در واقع بنگاه های کلاهبرداری بوده اند.

اما اگر چه کار بعضی از این کارخانجات صدور مدارک دکتر با قوه قضاییه هم کشیده شد ولی با این حال کسانی که مدارک دکترای این دانشگاه نماها را اخذ کرده اند از تیترو و عنوان تقلبی خود استفاده کرده و به زمین و زمان هم فخر می فروشند.

یکی از علل اصلی و شاید بتوان گفت تنها عامل بروز معضلات مدیریتی در کشور همین قرار گرفتن افراد غیر موجه در پست های مدیریتی بوده است. آنچه امروزه هم مسوولان عالی رتبه کشور از آن می نالند و آن را "ضعف مدیریتی" می نامند به واقع به علت همین رابطه سالاری و قرار دادن پست های مهم در دستان افراد نالایق است.

از این که بگذریم، عده ای هم با لومپنیسم و سوء استفاده از شرایط حاکم و به "چپ" و "راست" زدن خود در مسیر حرکت باد و همسو با رودخانه در حال حرکت سعی دارند از "نمد" امکانات وسیع و خوان نعمت گسترده کلاه می برای خود دست و پا کنند! تشکیل شرکت های صوری و دریافت وام های کلان و غارت بیت المال آنگونه که گوشه ای از آن را در جریان محاکمه شهرام جزایری بازرگان جوان دیدیم، و یا دریافت وام های کم بهره از صندوق ذخیره ارزی به بهانه وارد کردن خطوط تولید صنعتی، سپس به کار انداختن آن در بنگاه های صرافی دویی و یا نزول دادن به بازرگانان دیگر و هزار اقدام غیر منطقی که سر و صدای دلسوزان ملک و ملت را در آورده، شمه دیگری است از آنچه بر ما گذشته...

در سال هایی که هیاهوی "چپ" و "راست" برای قبضه قدرت ادامه داشت عده ای در حاشیه این هیاهو و جنجال و جنگ قدرت، زده اند و برده اند و خورده اند و باز هم می خورند.

گاهی اوقات هم دست عده ای از این "رانت" خواران و غارتگران بیت المال رو شده و سر و کارشان با عدلیه افتاده و مجبور شده اند از قبل آنچه خورده اند کمی را بالا آورده و به عنوان جریمه بپردازند تا سر و صداها بخوابد.

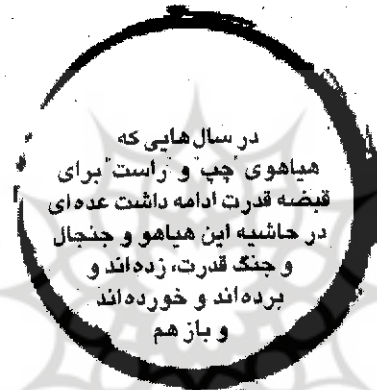
سخن را کوتاه کرده و سخنان جناب آقای مظاهری وزیر پیشین دارایی و امور اقتصادی را شاهد مثال می آورم که اخیراً فرمودند: "افرادی از صندوق ذخیره ارزی برای پروژه های تولیدی و صنعتی وام گرفته و آهن قراضه وارد کشور کرده اند!"

اگر سازمان بازررسی کل کشور دستگاه های

ذیربط در کم و کیف هزینه شدن وام های پرداختی تحقیق و تخصصی به عمل بیاورند معلوم خواهد شد چه کسانی با تهیه پروفرم های تقلبی، میلیون ها دلار وام ارزی گرفته و چند صد هزار دلار خط تولید کهنه و فرسوده و ناقص وارد کشور کرده و بقیه را در تجارت حرام نزول خواری به کار انداخته اند.

غرض از بیان این مقدمه طولانی عنوان این مطلب بود که در مملکت ما صحبت از رانت خواری اقتصادی بسیار شده و می شود، و آن قدر از رانت خواری و دزدی از بیت المال و غارت و چپاول سرمایه های ملی سخن گفته شده که قباح آن به کلی از میان رفته و ترس رانت خواران هم به کلی ریخته است!

چندی پیش هم آقای خاتمی در آخرین



اظهاراتشان قبل از خواندن غزل خدا حافظی به زبان مبارک خویش فرمودند که ترس از فساد اقتصادی و رانت خواری و امثالهم نباید مانع از سرمایه گذاری شود!

اما انواع دیگری از رانت خواری هم وجود دارد که به آن اصلا و ابدا پرداخته نشده است. مثلاً فردی در جایی به ریاست رسیده و با تحصیلات ناقص دبیرستانی مصدر کاری شده و ضمن تصدی، از دانشگاه و دانشکده تحت امر حوزه ریاستش دکتر گرفته است!

از اینگونه دارندگان مدارک دکتر اماشالله زیاد داریم و روز به روز هم بر تعداد آنها افزوده می شود. بسیاری از این افراد که قدرت را مزه مزه کرده و چشیده اند و به همه رویاهایشان رسیده اند صاحب قلم هم شده و به نویسندگی نیز علاقمند گردیده و

به مطبوعات راه یافته اند. به طوری که در این دو دهه شاهد انتشار کتاب های زیادی به قلم همین افراد قدر قدرت بوده ایم که گاه حجم صفحات این کتاب ها به قدری زیاد بوده که هر آدم ناقص العقلی درک می کند که این فرد با توجه به پست مهمی که در مملکت دارد یا در طول هفت-هشت سال تصدی گری خود، کار اداری اش را انجام نداده و آن را به امان خدا رها کرده و یک نفس و بدون استراحت و خواب و خوراک سرگرم نگارش کتاب بوده، و یا یک نویسنده یک لاقیایی مثل اسکندر دلدن شندرغاز گرفته و قلم به مزدی کرده (مزدوری!) و برای ایشان کتاب نوشته است! جالب آن که بعضی از این عزیزان که تا قبل از به قدرت رسیدن با مقوله کتاب و کتاب خوانی آشنا نبوده اند در حال حاضر دارای ده ها جلد تالیف هم شده اند که دیگران برایشان نوشته اند.

یکی دیگر از موارد رانت خواری نامحسوس، تشکیل حزب و دسته و انجمن و انتشار روزنامه بوده و هست.

چند نفر از یک طایفه و فامیل و دوستان گرمابه و گلستان با نوشتن چند خط اساسنامه و مراجعه به وزارت محترم کشور، حزب تشکیل داده و از یارانه احزاب که گاه برای بعضی ها به چندین میلیارد تومان در سال می رسد برخوردار شده اند! احزابی که صدها میلیون، بلکه بالای یک میلیارد تومان یارانه گرفته و فقط در زمان انتخابات به صدور چند خط اعلامیه و تعریف و تمجید از کاندیدای مورد نظر خود می پردازند و دیگر هیچ. احزابی که کل اعضای آنها را می توان در یک پیکان جای داد و یا کمتر از تعداد انگشتان یک دست هستند و داعیه سیاستمدار بودن هم دارند. انتشار روزنامه هم راهکار جذابی برای

## کابینت آشپزخانه رضیان

### RAZIAN

طراحی و اجرای سیستم های جدید آشپزخانه برای

ویلایا، مجتمع های مسکونی

عباس آباد - خیابان شهداء - جنب سوپر مازپچال

تلفن: ۰۹۱۲۳۱۷۴۹۳۲

۴۶۲۷۱۳۶

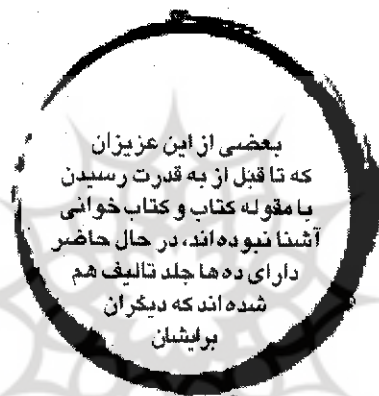
رانت خواری اقتصادی و در عین حال سیاسی است که در ماه‌های اخیر رواج چشمگیری داشته است. بسیاری از روزنامه‌های کم تیراژ پنج هزار و یا حداکثر ۱۰ هزار نسخه‌ای که بعضاً حزبی هم عمل می‌کنند و یا اجاره‌ای هستند از دولت سهمیه ارزی و یارانه‌های گوناگون دریافت کرده و با اعلام دروغین تیراژ خود در حد چندین برابر نسخه‌های چاپ شده، وزارت ارشاد را هم خوشحال می‌کنند که در سال‌های اخیر تیراژ مطبوعات افزایش یافته و بازار مطبوعات رونق گرفته است. در حالی که بسیاری از نویسندگان و روزنامه‌نگاران اصیل و برجسته و صاحب‌اندیشه و قلم نزدیک به ۱۰ سال متمادی است در نوبت اخذ امتیاز چاپ نشریه هستند و هنوز پاسخ مثبت و یا منفی دریافت نکرده‌اند ولی در عوض خیل عظیمی از افرادی که وابستگی‌های مختلف آنها بر همگان آشکار است به فوریت امتیاز دریافت کرده و با ارتباطاتی هم که دارند ساختمان‌های بزرگی از نهادهای عام‌المنفعه گرفته و با دریافت امکانات گوناگون به ثروت و شهرت و قدرت سیاسی رسیده‌اند.

در این میان رانت خواری مطبوعاتی که در هیاهوی رانت خواری اقتصادی پنهان مانده سبب شده عده‌ای از این مطبوعاتی‌نماها صاحب شرکت‌های تجاری و بنگاه‌های اقتصادی (از واردات آب میوه‌های تاریخ مصرف گذشته تا احداث کارخانه شیر پاستوریزه!) شوند. در حالی که نویسندگان واقعی و زجر کشیده مطبوعات به نان شب خود محتاج بوده و یا نظیر مرحوم داریوش آریا از گرسنگی و فقر در گوشه خیابان جان می‌دهند و یا نظیر بنده پس از ۴۰ سال فعالیت مطبوعاتی از بازنشستگی و حتی دارا بودن یک دفتر چه خدمات درمانی محروم هستند و کاسه چه کنم در دست گرفته و نمی‌دانند به کجا بروند. آنچه مرا به نگارش این سطور وا داشت جنجال مربوط به خرید یک میلیون دلار لب تاپ (رایانه قابل حمل برای روزنامه‌نگاران عضو انجمن حزبی (صنفی) است که ظاهراً هنوز به نتیجه نرسیده و با هزاران اما و اگر مواجه است. گفته می‌شود آقای سیدمحمد خاتمی این یک میلیون دلار را در اختیار انجمن صنفی مطبوعات قرار داده بود اما چه بر سر این پول آمده است محل دعوای رسانه‌ها و مسوولان انجمن صنفی و وزارت ارشاد است.

انجمن صنفی مطبوعات در سال ۱۳۷۶ همزمان با روی کار آمدن اصلاح طلب‌نماها شکل گرفت و افرادی بانی تاسیس آن شدند که تا قبل از انتشار روزنامه سلام تجربه‌ای در کار

روزنامه‌نگاری نداشتند و بعضاً قادر به نوشتن یک نامه بدون غلط املائی و انشایی برای هم ولایتی‌های خود نبودند.

تا قبل از آن "سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات" وجود داشت که یک تشکیلات صنفی موجه و دیر پای مطبوعاتی در کشور بوده و در جریان مبارزات تاریخی ملت مسلمان ایران با شکل دادن و هدایت اعتصاب مطبوعات نقش موثری در پیروزی انقلاب ایفا کرد ولی در نهایت در مخمصه قرار گرفت لذا پر واضح است که چرا به جای تقویت سندیکای پرسابقه مطبوعات، چنین تشکلی را با کار برد سیاسی و حزبی علم کردند. البته ما وارد این مقوله‌ها نمی‌شویم. فقط می‌خواهم بگویم که انجمن



صنفی مطبوعات در سال ۱۳۷۶ از عده‌ای جوان جویای نام و وابسته به جریان سیاسی حاکم و تحت حمایت‌های بی‌دریغ مسوولان وقت ارشاد تشکیل شد اما در این مدت هیچ تأثیری در اوضاع و احوال رقت‌بار نویسندگان و خبرنگاران و روزنامه‌نگاران اصیل و واقعی که حرفه اصلی و عشق و علاقه‌شان روزنامه‌نویسی است نداشت، و اصولاً این دسته را راهی به انجمن مطبوعات نبوده است.

### و اما در مورد لب تاپ‌ها!

صراحتاً باید بگویم اختصاص یک میلیون دلار برای خرید رایانه‌های کیفی قابل حمل کاری عبث و دور از عقل بوده است. (البته از این قبیل کارهای دور از عقل زیاد داشته‌ایم!) زیرا بسیاری از روزنامه‌نگاران و نویسندگان و خبرنگاران حتی در منزل و یا محل کار خود دارای کامپیوتر شخصی نیستند و اگر مبنای اصل "الاهم فی الاهم" قرار دهیم بسیاری از اهالی مطبوعات محتاج دریافت چند صد هزار تومان وام قرض الحسنه هستند تا آن را به زخم‌های اقتصادی فراوان خود بزنند. یک میلیون دلار به بهای امروزین نرخ مبادله

ارز چیزی در حدود ۹۰۰ میلیون تومان می‌شود. اگر آمار صحیح روزنامه‌نگاران حقیقی و واقعی را که هیچ هنری جز قلم زدن در مطبوعات ندارند استخراج کنیم و در تقسیم این پول هم سهمی به دوستان و رفقا و فامیل اختصاص ندهیم به هر روزنامه‌نگار حداقل یک و نیم میلیون تومان می‌رسد! به همین دلیل چه خوب بود این پول را به عدالت بین روزنامه‌نگاران تقسیم می‌کردند. تا در صورت نیاز هم برای خود یک کامپیوتر شخصی خریداری کنند و هم مبلغی را به سایر زخم‌های خود بزنند و در حقیقت باری از روی دوش خود بردارند.

به هر حال آب رفته به جوی باز نمی‌گردد، فقط لازم است در پایان اشاره کنم که انجمن صنفی مطبوعات فعلی یک انجمن سیاسی و محفل خاصی است که عامه روزنامه‌نگاران و روزنامه‌نویس‌ها را به آن راهی نیست و در سال‌های ماضی، متأسفانه کاری برای جماعت روزنامه‌نویس انجام نداده است. اما امیدواریم با تحولاتی که صورت پذیرفته و ندهایی که در مبارزه با رانت خواری سر داده می‌شود با سایر انواع رانت خواری‌ها نظیر آنچه شرح دادیم هم مبارزه شود و امور روزنامه‌نگاران به دست خودشان سپرده شود.

در آخرین دقایقی که این مطالب را می‌نوشتیم خبر رسید که هیات مدیره انجمن صنفی مطبوعات به شمال عراق رفته و با سران کردستان عراق از جمله مسعود بارزانی دیدار کرده است. گویی این افراد خبر ندارند که کشتیبان را سیاستی دگر آمده و بساط حامیان آنها در دولت هم جمع شده است، در حالی که آنها همچنان از موقعیتی که در دکان انجمن صنفی برای خود دست و پا کرده‌اند برای مسافرت خارجی و سیاست‌بازی و رانت خواری سیاسی استفاده می‌کنند. ظاهراً این آقایان همه کاری دارند جز رسیدگی به امور صنفی روزنامه‌نگاران! این مسافرت و این ملاقات‌ها در حالی صورت می‌گیرد که اعضای عادی انجمن صنفی از آن بی اطلاع هستند و مدیران انجمن بدون اطلاع اعضا مبادرت به این کارها می‌کنند. خوب است بررسی شود تا مشخص گردد در ۸ سال گذشته کمک‌های دولت اصلاحات به دوستان انجمن صنفی در چه زمینه‌هایی هزینه شده است؟

ما که چهل سال است در این مملکت قلم صد تا په ریال می‌زنیم هنوز یک جای تلخ این حکومت و دولت و انجمن صنفی را نخورده‌ایم! به همین دلیل همیشه پیاده هستیم و دیگران سواره!!